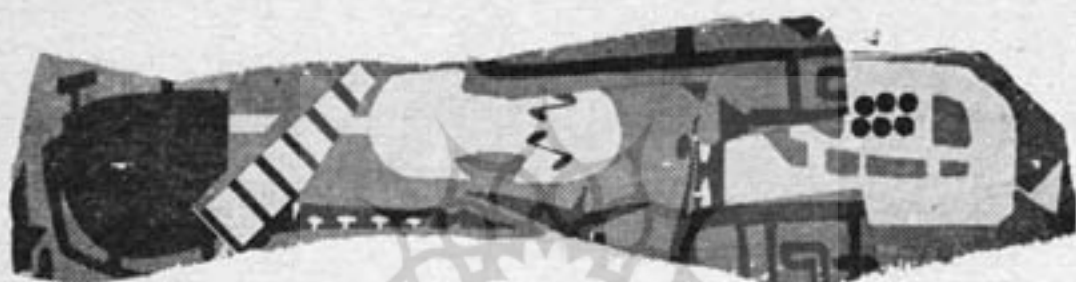


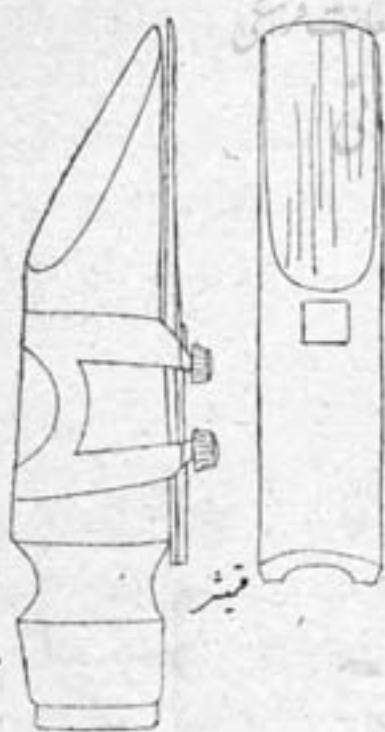
ساز شناسی ... برای همه ...



«باسون»

«باسون» در حقیقت «اوبوا»ی بلندی و مطالعات و فنون

است و بنا بر این بایستی لوله بلندتری داشته باشد. اختراع این ساز در ایتالیای نسبت می دهند که در صد بر آمد دو لوله را کنار هم جای دهد و آن دورا از راه مجرایی بهم مربوط سازد. بدینگونه ستون هوای بلندتری بدست می آمد بدون آنکه این کار مستلزم بکار بردن لوله خیلی بلند و غیر قابل حملی باشد. چندی بعد این ساز تکامل بیشتر و اصلاحاتی پذیرفت و در اکثرهای نظامی و



دانه

قیشر

تشکیلات سنفونیک جای قابل ملاحظه‌ای برای خود باز نمود. در آغاز کار «باسون» را «فاگوت» (دسته) می‌نامیدند و ایتالیائی‌ها هنوز هم آنرا «فاگوت» می‌خوانند. «باسون» شکل فعلی خود را از قرن گذشته، بدون تغییر مهمی، حفظ کرده است.

باسون را سابقاً «مسخره ارکستر» می‌خواندند زیرا هنگامی که این ساز آهنگ سریعی اجرا می‌کند از آن صدائی برمی‌خیزد که بی‌شبهت بصدای جست و خیز مسخرگان سیرک نیست... ولی باسون، موقعی که قیافه جدی بخود می‌گیرد، می‌تواند با صدای بم و عمیق خود نغمه‌های دلکشی بشنواند... طول لوله آن ۱٫۸۰ متر است که، چنانکه گفتیم، در حقیقت «دولا» شده است... دهانه آن، که دارای قمیش دو تاییست، بوسیله لوله برنجی خمیده‌ای به لوله اصلی وصل می‌شود.

حدود صوتی باسون از سه اوکتا و متجاوز است. «پارتیسیون»های باسون را با اصوات حقیقی، با کلید فا و کلید دوی خط چهارم می‌نویسند. باسون ساز باس سازهای چوبیست و غالباً یک باسون تنها برای اصطلاح «نگهداری» مجموعه سازهای چوبی نسبتاً مفصلی کفایت می‌کند. نقش «سولیست» باسون هم در ارکستر مهم است. اصوات بم باسون پر قدرت و زیباست ولی در حدود صوتی بالا لطف و زیبایی نسبتاً کمتری دارد. کنسرتوی «ویوالدی» برای باسون (در رکوک) و کنسرتوی موزار برای درک و آشنائی خصوصیات صوتی باسون نمونه‌های خوبیست. باسون در ارکستر غالباً محیط شاعرانه کاملاً خاصی القاء می‌نماید (تم اصلی و «کادانس» قسمت دوم شهرزاد اثر ریمسکی کورساکف) و در عین حال قابلیت ادای لحن مسخره‌ای نیز دارد (تم چارو در «شاگرد جادوگر» اثر دوکا).

یک نوع باسون بمتری هست که «دوبل باسون» یا «کنتر باسون» نام دارد. حدود صوتی آن بمتر از باسون بوده و طول لوله آن ۴۰ متر است که معمولاً بصورت «سه‌لا» ساخته می‌شود. نواختن و بکار انداختن آن در قسمتهای بم کار آسانی نیست... («مادر من غاز» اثر راول، قسمت مکالمه) نواختن اصوات ملایم و خفیف نیز برای نوازندگان باسون کار مشکلی است... در جلسات تمرین یک ارکستر سنفونیک معمولاً صدای رهبر ارکستر بگوش می‌رسد که از نوازندگان باسون خواهش می‌کند که کمی ملایمتر بنوازند...

قره‌نی («کلارینت»)

لوله‌سازهای بادی بردونوعست : مخروطی (اوبوا، باسون ...) یا استوانه‌ای (قره‌نی). لوله‌استوانه‌ای يك او کتاو پائین‌تر از لوله‌مخروطی بهمان بلندی صدای دهد ولی قابلیت اجرای اصوات زیر را نیز دارد. بنا بر این ساز بادی بالوله‌استوانه‌ای، مثل قره‌نی، این مزیت را دارد که باوجود بلندی متوسط خود می‌تواند اصوات بم - وهمچنین زیر - را اجرا نماید. قمیش قره‌نی (برخلاف اوبوا و باسون و کور انگلیسی که دارای قمیش دوتایی



هستند) از يك صفحه واحد تشکیل می‌شود که بوسیله حلقه‌ای بر سر ساز بسته می‌شود.

سابقاً نوعی ساز بادی موسوم به «شالومو» رواج داشت که بدو شکل مخروطی و استوانه‌ای ساخته می‌شد. اوبوا از بازماندگان «شالومو»ی مخروطی شکل است در صورتی که قره‌نی، شکل تکمیل شده «شالومو»ی استوانه‌ایست.

در حدود اواخر قرن هفدهم يك سازنده آلمانی آلات موسیقی بنام «دئر» شالوموی قدیمی را اصلاح و تکمیل نمود و آنرا «کلارینت» نامید. در آن موقع کلارینت دو کلید بیشتر نداشت ولی چندی بعد کلیدهای دیگری بر آن کار گذاشتند که حدود صوتی آنرا افزایش داد. از اوایل قرن هیجدهم قره‌نی مورد توجه کلیه آهنگسازان اروپا قرار گرفت. موزار که نخستین بار صدای قره‌نی را در لندن شنیده بود در این باره نوشت «...ایکاش ماهم قره‌نی می‌داشتیم... شما نمی‌توانید تصور کنید که در یک سنفونی بافلوتها و اوپوها و قره‌نی‌ها چه حالات زیبایی می‌توان بدست آورد...» چندی بعد موزار قره‌نی را در آثار خود بکار برد و نیز دو قطعه بی نظیر مخصوصاً برای این ساز نوشت (کننت باقره‌نی در سی بمل بزرگ و کنسرتو برای قره‌نی). پس از موزار، بهوون و وبر استعمال قره‌نی در ارکستر کاملاً عموماً یافت. در قرن نوزدهم بازم اصلاحاتی بر روی قره‌نی بعمل آمد. «مولر» سیستم سیزده کلیدی را که هنوز هم در آلمان رواج دارد بر روی آن بکار بست و «کلوزه» ساختمان آنرا تکمیل نمود.

خصوصیات و انواع قره‌نی

قره‌نی «قابل انعطاف» ترین سازهای ارکستر است و با آن حالات بسیار متنوعی می‌توان اجرا نمود. قره‌نی در میان سازهای بادی وسیعترین حدود صوتی را داراست (که از سه اوکتا و متجاوز می‌باشد). اصوات بم آن، که بخصوص بوسیله «وبر» استادانه بکار رفته است، گاه حالتی تهدیدآمیز و گاهی حالت سوگواری دارد ولی اگر بملایمت نواخته شود خالی از لطف و ظرافت نیست. در حدود میانی اصوات جلا و درخشش مخصوصی دارند اما ملودی‌های خیال‌انگیز نیز در همین حدود قابل اجراست (بخش دوم کنسرتوی موزار و پیش‌پرده «فرایشوتز» وبر)، اصوات زیر آن برای نمایاندن حالات نیشدار و مسخره‌آمیز متناسب است. اغلب آهنگسازان مهم «سولو»های جالبی در آثار ارکستری خود برای قره‌نی نوشته‌اند که قدرت «وبرتوئوزیته» آنرا بخوبی نشان می‌دهد («کاپریچیو اسپانیول» قسمت «آلبورادا» از ریمسکی کورساکوف).

از میان انواع مختلف قره‌نی، که با حدود صوتی مختلفی ساخته می‌شود،

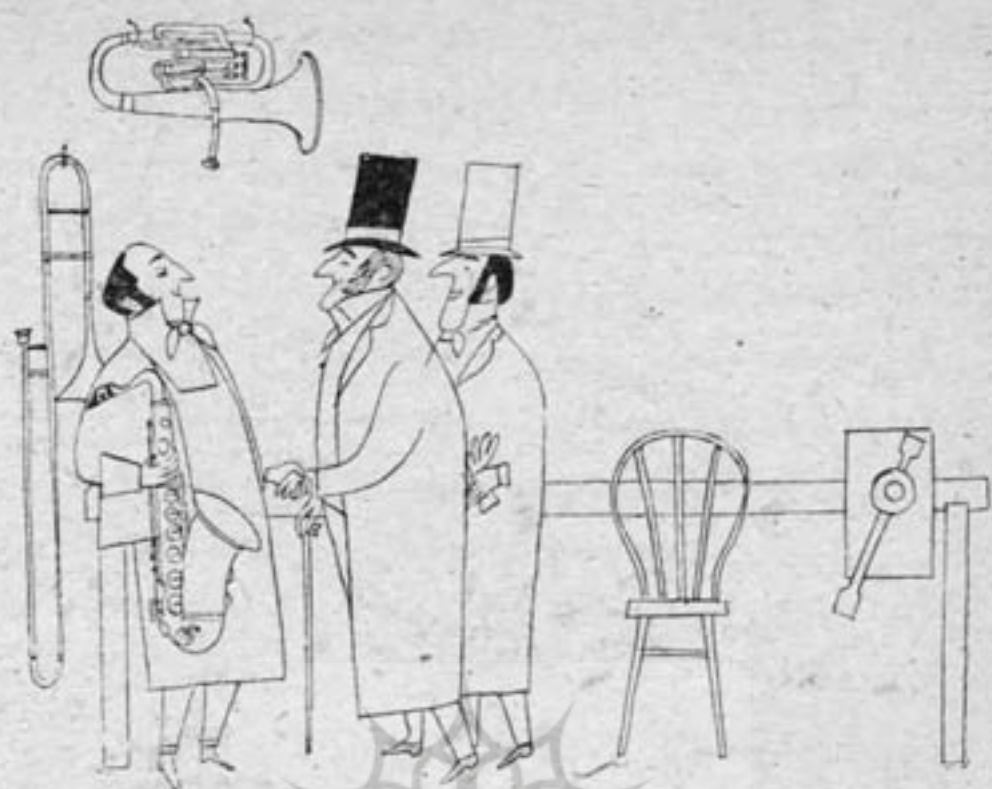
قره‌نی سی بمول بیشتر از انواع دیگر معمول است. قره‌نی در دو در اوایل قرن نوزدهم زیاد بکار می‌رفت و در دوره‌های مانیز از سرنو مورد توجه آهنگسازان قرار می‌گیرد. قره‌نی درلا مخصوصاً از آنجا که بعضی از انگشت گذار پهای مشکل قره‌نی سی بمول را تسهیل می‌نماید مورد استفاده می‌باشد؛ اصوات این نوع اخیر بخصوص در قسمت بم بسیار غنی است. قره‌نی در می بمول بخصوص برای تقویت اصوات زیر ارکسترهای نظامی بکار می‌رود. قره‌نی باس درسی بمول قره‌نی بزرگ‌گست که سر آن اندکی خمیده است و بی‌شبهت به «ساکوفون» نیست. این ساز که نواختن آن خالی از پیچیدگی نیست بیش از پیش در ارکسترها بکار می‌رود. طنین مخصوص آنرا، که حالتی سحر-آمیز و گاه نیشخندآمیز دارد، نباید با باسون و ساکوفون اشتباه کرد... یک نوع قره‌نی کنترباس نیز وجود دارد که می‌تواند جایگزین کنترباسون گردد.

نواختن کلارینت مشکل‌تر از ساکوفون ولی آسان‌تر از او بواست... قره‌نی چه در ارکسترهای جاز، و چه در ارکسترهای نظامی و سنفونیک مورد استعمال فراوان دارد و بعنوان ساز سولو و همچنین ساز موسیقی مجلسی حائز اهمیت بسیار است.

ساکوفون

در اوائل قرن نوزدهم یک ساعت ساز فرانسوی نوع قره‌نی جدیدی ساخت که شکل تقریباً مخروطی داشت. اختراع او که «مارکلیددار» نام داشت موفقیتی نیافت. ولی چند سال بعد یک سازنده بلژیکی آلات موسیقی بنام «آدولف ساکس» ب فکر افتاد سازی بسازد که صوتی قوی داشته باشد تا بتوان آنرا در میان سازهای مسی دسته‌های نظامی بکار برد ولی در عین حال طنین ساز بادی چوبی را داشته باشد. «ساکس» اختراع ساعت‌ساز فرانسوی را (که با عدم موفقیت روبرو شده بود) مورد مطالعه قرار داده آنرا تکمیل نموده و تحت عنوان «ساکوفون» ثبت رسانید.

ساکوفون جدیدترین و جوانترین عضوار کسترهای جدید است زیرا پیش از یک قرن از عمرش نمی‌گذرد. این ساز از بسیاری جهات سازی عجیب است: ساکوفون، مثل قره‌نی، دارای زبانه قمیش واحدی است ولی



از آنجا که از فلز ساخته می شود طنینی در عین حال شبیه به فلوت و ساز مسی دارد . شاید اصولاً منطقی تر می بود که ساکسوفون در شمار سازهای بادی فلزی و مسی جای بگیرد ولی از نظر شباهت و نزدیکی به خانواده قره نی معمولاً آنرا در ردیف سازهای بادی چوبی جای می دهند .

خصوصیت اصلی طنین ساکسوفون متوسط به شکل مخروطی خاص آنست . شکل مخروطی آن بالطبع حدود صوتی زیرین آنرا محدود می سازد ولی اصوات بم آن بتر از کور انگلیسی و آلتوی زهی است . تنی چند از آهنگسازان قرن اخیر ساکسوفون را سازی جدی نشمرده و از آن چنانکه باید استفاده نکرده اند ولی برخی دیگر چون «روسینی» و «برلیوز» حدود امکانات آنرا دریافته و بکار بسته اند . برلیوز در باره این ساز می نویسد : «صدای ساکسوفون حد فاصل بین صوت سازهای مسی و بادی است . علاوه بر این ساکسوفون می تواند با قدرت زیاد در طنین سازهای زهی نیز شرکت جوید . مزیت اصلی این ساز، بمقیده من، زیبایی لحن آنست که گاه جدی و آرامست و گاه پرشور و رؤیا آمیز . هیچ ساز دیگری، تا آنجا که من اطلاع

دارم، این لحن وطنین شکفت را ندارد...»

با اینهمه دیر زمانی طول کشید تا ساکسوفون التفات آهنگسازان کلاسیک را بخود جلب کند و حتی در دوره ما نیز از آن بطور دائمی استفاده نمی شود. از قطعاتی که خصوصیات ساکسوفون را می نمایانند سوئیت اول و دوم «آدلزین» اثر بیزه، کنسرتو برای ساکسوفون اثر «ژاک ایبر» آهنگساز معاصر فرانسوی و کنسرتو «گلازونوف» را نام می توان برد. ولی ساکسوفون از همان آغاز کار از اعضای لاینفک ارکسترهای جاز و نظامی بوده است. تسلط بر تکنیک نوازندگی ساکسوفون کار مشکل و پرهزحمتی است ولی نواختن معمولی و متوسط آن نسبتاً ساده و آسانست. ساکسوفون دارای انواع مختلفی با حدود صوتی متفاوت است.

در شماره آینده : سازهای بادی فلزی



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی